



به گفته پژو هشگران، آلودگی آب به کواکئین، رفتار آزادماهی اطلس را تغییر می دهد- و ماهی هایی که در معرض کواکئین قرار می گیرند، تا هفته تا ۱.۹ برابر بیشتر از ماهی های سالم شنا می کنند.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، یک مطالعه بین‌المللی جدید اولین شواهدی را ارائه داده است که نشان می‌دهد کواکئین و متابولیت‌های آن، رفتار ماهی‌ها را در زیستگاه‌های طبیعی خود تغییر می‌دهند.

بنابر گزارش ایسنا، این مطالعه، ماهی سالمون جوان اقیانوس اطلس (آزادهای اطلس) را در دریاچه واترن سوئد ردیابی کرد تا تأثیر اکولوژیکی آبراه‌های آلوده به مواد مخدر را در دنیای واقعی درک کند.

این مطالعه توسط محققانی از دانشگاه گریفث (Griffith)، دانشگاه علوم کشاورزی سوئد، انجمن جانورشناسی لندن و موسسه رفتارشناسی حیوانات «ماکس پلانک» رهبری شد. نکته قابل توجه این است که این اولین باری است که محققان نشان داده‌اند آلودگی به مواد مخدر باعث می‌شود ماهی‌های وحشی در طبیعت و نه فقط در یک محیط آزمایشگاهی کنترل‌شده، رفتار متفاوتی داشته باشند. حدود ۱۰۵ ماهی سالمون جوان اطلس به مدت هشت هفته با استفاده از تله‌متری صوتی و اپیمنت‌های رهایش آهسته در دریاچه واترن سوئد تحت نظر قرار گرفتند.

ماهی‌ها به سه گروه مورد مطالعه تقسیم شدند. یک گروه کنترل و در گروه در معرض کواکئین یا متابولیت فاضلاب رایج آن قرار گرفتند.

مشخص شد که ماهی‌هایی که در معرض بنزوئیلگکوئینس (benzoylcegonine) که محصول زنجبیل‌گکوئینس از پردازش کواکئین توسط بدن است، قرار گرفتند، بیش از حد متحرک شدند.

ماهی‌هایی که در معرض متابولیت کواکئین قرار گرفتند، تقریباً ۱.۹ برابر بیشتر از گروه کنترل در هفته شنا کردند. این ماهی‌ها تا ۱۲.۳ کیلومتر بیشتر در دریاچه پراکنده شدند و بسیار فراتر از محدوده معمول خود سرگردان شدند.

علاوه بر این، این رفتارهای بیش‌فعالی با پیشرفت مطالعه شدیدتر شدند و تغییر پایداری را در نحوه پیمایش ماهی‌ها در محیط خود نشان دادند.

از آنجایی که حرکت برای ساختار جمعیت، اساسی است، چنین تغییرات ناشی از آلودگی می‌تواند اثرات موحی غیرقابل پیش‌بینی را در کل اکوسیستم‌ها ایجاد کند.

دکتر مارکوس میکِل آنجلی (Marcus Michelangeli)، نویسنده همکار از موسسه رودخانه‌های استرالیا در دانشگاه گریفیث گفت: اگر آلودگی این الگوها را تغییر می‌دهد، این پتانسیل را دارد که اکوسیستم‌ها را به روش‌هایی که ما تازه شروع به درک آنها کرده‌ایم، تحت تأثیر قرار دهد.

اگر یک آزادماهی اطلس جوان به دلیل یک حس شیمیایی مجبور به شنا کردن بیشتر و سریع‌تر شود، ذخایر حیاتی انرژی خود را از دست می‌دهد. ممکن است در مناطق پر از شکارچی سرگردان شود یا نشانه‌های محیطی خاص مورد نیاز برای مهاجرت موفقیت‌آمیز را از دست بدهد. این رفتار می‌تواند به ناچار ارتباطات پیچیده‌ای را که شبکه غذایی را در کنار هم نگه می‌دارند، مختل کند.

کواکئین مستقیماً توسط قاچاقچیان به دریاچه ریخته نمی‌شود، بلکه از طریق مسیری بسیار پیش پا افتاده به آنجا می‌رسد.

تصفیه‌خانه‌های فاضلاب مدرن اغلب در پاکسازی بقایای میکرومسکوبی مصرف‌دروبی و مواد مخدر غیرقانونی در جهان با شکست مواجه می‌شوند. در نتیجه، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به سویی شیمیایی از داروهای ضد افسردگی، کنترل بارداری و محرک‌ها تبدیل شده‌اند.

شاید مهم‌ترین نکته برای سیاست زیست‌محیطی، تله متابولیت باشد. به طور معمول، ارزیابی‌های ریسک بر ترکیب اصلی (خود دارو) تمرکز دارند. با این حال، این مطالعه ثابت کرد که بنزوئیلگکوئین در واقع در تغییر رفتار ماهی نسبت به کواکئین خام قوی‌تر است.

محققان با وجود این نگرانی‌های زیست‌محیطی تصریح کردند که هیچ خطری برای مصرف‌کنندگان انسانی وجود ندارد، زیرا این مطالعه از ماهی‌های جوان استفاده کرده و خاطر نشان کرد که این ترکیبات به طور طبیعی با گذشت زمان تجزیه می‌شوند.میکِل آنجلی گفت: ایده تأثیر کواکئین بر ماهی‌ها ممکن است تعجب‌آور به نظر برسد، اما واقعیت این است که حیات وحش در حال حاضر هر روز در معرض طیف وسیعی از داروهای مشتق شده از انسان قرار دارد. بخش غیر معمول آزمایش نیست، بلکه چیزی است که در حال حاضر در آبراه‌های ما اتفاق می‌افتد. محققان در مرحله بعد قصد دارند با شناسایی گونه‌هایی که بیشترین آسیب را در برابر آلودگی دارویی دارند، مقیاس کامل این موضوع را بررسی کنند.هدف نهایی این است که مشخص شود آیا این الگوهای حرکتی بیش‌فعالی، پیامدهای بلندمدتی برای بقای حیوانات و موفقیت تولید مثل آنها دارند یا خیر. این یافته‌ها در مجله Current Biology منتشر شده است.

شکاف میان

سیاست و واقعیت



گروه راهبردی –نورالله بیرانوند – در دنیای پیچیده و به سرعت در حال تغییر امروز، سیاست‌گذاران و مدیران باید از درک عمیق و واقع‌بینانه‌ای از وضعیت

داخلی و محیط بین‌المللی کشور برخوردار باشند تا بتوانند تصمیمات درست و کارآمدی اتخاذ کنند. این درک نه تنها در قالب گزاره‌های ذهنی شکل می‌گیرد، بلکه در مراحل بعدی به اسناد سیاستی تبدیل می‌شود و نهایتاً در رفتار و اقدامات سیاست‌گذاران تجلی پیدا می‌کند.

به گزارش «اقتصادسراسرآمد»، دکتر نورالله بیرانوند، تحلیلگر اقتصادی در نوشتاری به «سراسرآمد» به بررسی اهمیت نگاهی واقع‌بینانه برای سیاست‌گذاری هوشمندانه و تاب‌آوری اقتصادی کشور پرداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

به نظر می‌رسد برخی سیاست‌گذاران و مدیران کشور در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تخصیص منابع، براساس برخی انگاره‌های ذهنی عمل می‌کنند که به‌طور جدی می‌تواند موجب اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد و غیر واقعی شود. این انگاره‌های ذهنی به‌ویژه در زمان مواجهه با بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی، به‌صورت معکوس عمل کرده و موجب آسیب بیشتر به وضعیت موجود می‌شود.

برای افزایش تاب‌آوری کشور در برابر چالش‌های بزرگ، لازم است از نقطه سرآغاز؛ یعنی انگاره‌های ذهنی نادرست، شروع کرده و آن‌ها را اصلاح کرد. در این یادداشت به بررسی این ضرورت پرداخته خواهد شد که چگونه اصلاح این انگاره‌ها می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی را به سمت تقویت تاب‌آوری اقتصادی و پیشرفت پایدار هدایت کند.

۱.۱. منابع لایزال و محدودیت‌های کم

یکی از انگاره‌های غالب این است که ایران دارای منابع طبیعی وسیعی است که محدودیت قابل‌توجهی در بهره‌برداری از آن‌ها وجود ندارد. این انگاره شامل موارد زیر است:

• **منابع نفت و گاز** که فرض می‌شود به‌راحتی قابل استخراج و افزایش تولید در کوتاه‌مدت هستند و تقاضای جهانی برای این منابع به‌ویژه در آینده پایدار خواهد ماند.

• **منابع آبی**، جنگل‌ها و سواحل کشور که به‌طور طبیعی پایدار هستند و نیازی به مدیریت خاص ندارند.

• **منابع انسانی** که به‌ویژه جمعیت جوان ایران، به‌عنوان یک مزیت دائمی و بالقوه برای رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود.

۱.۲. پایداری درآمدهای نفتی و مالیاتی و تصور

حل همه مسائل با منابع مالی

• درآمدهای نفتی و صادرات نفت می‌توانند به‌عنوان راه‌حل اصلی تأمین مالی کشور عمل کرده و مشکلات اقتصادی را برطرف کنند.

• پایداری درآمدهای مالیاتی در شرایط رکود اقتصادی از طریق سیاست‌های مالی فعلی ممکن است، بدون آنکه به تغییرات ساختاری و تنوع منابع مالی توجه شود.

۱.۳. مشکل تنها کمبود منابع مالی است

یکی از انگاره‌های ذهنی رایج در میان بسیاری از سیاست‌گذاران این است که مشکل اصلی کشور تنها کمبود منابع مالی است. براساس این دیدگاه، تصور می‌شود اگر منابع مالی به اندازه کافی در اختیار کشور قرار گیرد، دیگر مشکلات اقتصادی برطرف خواهد شد.

۱.۴. ساختار حکمرانی و استراتژی‌های توسعه

موجود کافی است

در ذهن بسیاری از سیاست‌گذاران این تصور وجود دارد که:

تضاد واقعیت‌های جامعه با مدیریت اجرایی! «سراسرآمد» بررسی می‌کند؛

شکاف میان سیاست و واقعیت

ضرورت پیاده سازی مدیریت رضایت بخش اجتماعی

اتخاذ تصمیمات نادرست و ناکارآمد خواهد شد.

این نوع ادراک استستاتیک و محدود به آن‌ها این بساور را القا می‌کند که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور پایدار است و نیازی به تغییرات بنیادین یا اصلاحات در سیاست‌ها و استراتژی‌ها وجود ندارد. افزون بر این، این افراد معمولاً به‌دلیل ضعف مهارت‌های ارتباطی و عدم تمایل به پذیرش نظرات و تحلیل‌های متفاوت، از شنیدن واقعیت‌ها و چالش‌ها اجتناب می‌کنند. در نتیجه، سیاست‌های آنان براساس تصویری غلط و ناکامل از وضعیت کشور شکل می‌گیرد که به‌طور طبیعی به اتخاذ تصمیمات نادرست و نتیجه‌بخش نخواهد انجامید.

این دو عامل، یعنی منافع گروهی و محدود بودن ورودی‌های ادراکی، باعث می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها از واقعیت‌ها فاصله گرفته و در مواجهه با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بی‌اثر و ناکارآمد شوند. در نتیجه، به جای حل مشکلات و بهبود وضعیت کشور، راه‌حل‌هایی سطحی و غیرواقعی اتخاذ می‌شود که تنها به پیچیده‌تر شدن مسائل موجود خواهد انجامید. این وضعیت به نوعی به تکرار بحران‌ها و ناکامی‌ها منتهی می‌شود و در نهایت هیچ‌گونه تحولی در وضعیت کشور حاصل نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر تحقق سیاست‌های مؤثر و پیشرفت پایدار، شککاف ادراکی عمیق است که نه‌تنها بین سیاست‌گذاران و عموم مردم، بلکه در بدنه مدیریتی و اجرایی کشور نیز مشهود است. این شکاف در سطوح مختلف مدیریت بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های اجمناعی و نهادهای سیاسی نمایان است و خود موجب گسترش این فاصله در درون کشور می‌شود. این اختلاف در درک واقعیت‌ها و تفاوت در انگاره‌های ذهنی میان سطوح مختلف مدیریتی و اجرایی می‌تواند آثار منفی جدی داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

–بی‌اعتمادی عمومی و عدم همراهی مردم با سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذشده.

–کاهش اثرگذاری و کارآمدی سیاست‌ها به‌دلیل فاصله بین چشم‌اندازهای سیاست‌گذاران و نیازهای واقعی کشور.

–ضعیف‌انسجام و هماهنگی درون‌بخشی در مدیریت اجرایی و تصمیم‌گیری.

–ایجاد فساد و ناکارآمدی به‌دلیل تصمیمات غیرواقعی و منطقی نبودن با شرایط اقتصادی و اجتماعی.

–افزایش نارضایتی عمومی و تضعیف مشروعیت نهادهای حکومتی که می‌توانند در نهایت منجر به بی‌ثباتی اجتماعی شود.

–کاهش بهره‌وری و هدررفت منابع به‌دلیل تخصیص نادرست و ناکارآمد منابع در بخش‌های مختلف کشور.

این شکاف‌ها، در صورت عدم اصلاح، می‌توانند به تداوم مشکلات اقتصادی و اجتماعی منجر شوند. بنابراین، برای حل بحران‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی کشور، ضروری است سیاست‌گذاران و مدیران به درک عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از وضعیت داخلی و بین‌المللی کشور دست یابند و انگاره‌های ذهنی خود را با واقعیت‌های جاری و درک مردم تطبیق دهند.

این اصلاح‌حساب باید در تمامی سطوح حکمرانی، اجرایی و مدیریتی صورت گیرد تا به یکپارچگی و هم‌راستایی در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برسیم. در نهایت، مجموعه این شرایط نیازمند مدیران دانا، شجاع و توانمند است که نه‌تنها با شجاعت و عزم راسخ انگاره‌های ذهنی خود را با واقعیت‌های موجود تطبیق دهند، بلکه با آگاهی کامل از نقشه‌های شوم دشمنم و بدون وادادگی، با اعتماد به توانمندی‌های طبیعی و انسانی کشور سیاست‌های صحیحی را برای تاب‌آوری و پیشرفت ایران طراحی کنند، شکاف‌های موجود را پر کرده و با بازسازی سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد مردم، اصلاحات ضروری را بیهوده اجرا درآورند، چراکه بی‌عملی یا وادادگی، همان چیزی است که دشمنان مملکت روی آن حساب کرده‌اند. ان‌شاءالله ایران سرافراز خواهد ماند و دشمنانش در برابر اراده ملت شکست خواهند خورد.

بدون شرح

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی